

آیا این بار نوبت مناطق مرکزی است؟

مهدی مدبر



بامیان سایه افگند و فعالیت های فرهنگی را تحت تاثیر خود قرار دهد. بامیان در سالهای گذشته میزبان چندین جشن بزرگ فرهنگی و ملی بوده است و بدون تردید این جشن ها با وجود تهدیدهای امنیتی برگزار نمی گردید. یکی از اهداف مهم گروه طالبان با توجه به عقاید تند روانه شان، برهم زدن همین جشن های فرهنگی خواهد بود. طوری که مقامات محلی بامیان گفته اند یکی از اهداف ملا نصیر نیز برهم زدن جشن عید فطر در ولایت بامیان بوده است.

همچنان نفوذ گروه های تروریستی به ولایت بامیان و سایر ولایت های مرکزی، باعث وارد شدن آسیب جدی به صنعت توریسم کشور خواهد شد. بامیان به دلیل داشتن مجسمه های بودا، شهر ضحاک، بدلی امیر و سایر میراث های فرهنگی و باستانی، همواره مورد توجه توریست ها بوده است و امنیت نسبی باعث شده است که توریست ها بتوانند به این ولایت سفر بکنند و از مراکز باستانی این ولایت دیدن کنند، اما اگر امنیت این ولایت و تهدید مواجه شود، بدون تردید صنعت توریسم کشور از رونق خواهد افتاد و زیان اقتصادی زیادی به دولت افغانستان وارد خواهد شد.

مسئولین امنیتی کشور باید تلاش ورزند تا امنیت بامیان همچنان حفظ گردد و از نفوذ و گسترش فعالیت گروه طالبان در ایمن ولایت همتاعت جدی صورت گیرد. بامیان باید به عنوان یک ولایت فرهنگی و باستانی همچنان مرکز توجه توریست های جهانی باشد و چهره ی فرهنگی این ولایت باید همچنان درخشان بماند. انتقال جنگ به ولایت های مرکزی و نا امن سازی این ولایت ها، آسیب جدی به ثبات امنیتی کشور وارد خواهد کرد و پرسش امنیتی باید این نشانه ها را جدی بگیرند و از نفوذ بیشتر گروه طالبان و سایر گروه های تروریستی به ولایت های مرکزی جلوگیری کنند و مانع انتقال جنگ به ولایت های مرکزی شوند.

بدون تردید طالبان با بازداشت شدن مسئول محلی شان در ولایت بامیان، دست از فعالیت های تروریستی در این ولایت بر نخواهند داشت و بیشتر تلاش خواهند کرد تا راههای نفوذ به ولایت بامیان و از آنجا به سایر ولایت مرکزی را کشف کنند. مقامات امنیتی کشور و مسئولین محلی ولایت های مرکزی باید این نشانه ها را جدی بگیرند و تدابیر لازم برای مقابله با گسترش هراس افگنی و نفوذ تروریست ها در ولایت های مرکزی روی دست گیرند. امنیت نسبی بامیان در یک و نیم دهه ی گذشته باعث شده است که چهره ی فرهنگی بامیان برجسته شود و فعالیت های فرهنگی و مدنی در این ولایت رونق خوبی بگیرد. این فعالیت ها و شهرت باستانی بامیان باعث شد که بامیان بعنوان پایتخت فرهنگی کشورهای سارک انتخاب شود و کار مرکز فرهنگی این ولایت نیز چندین پیش توسط یونسکو آغاز شد. همچنان در سالهای اخیر توریست های ولایت های شمالی و غربی افغانستان به بامیان سفر کردند و صنعت توریسم بامیان در حال رونق گرفتن است.

دادند و اکنون نیز وضعیت امنیتی این ولایت نگران کننده است. شاهراه های منتهی به ولایت های شمال بصورت بی سابقه نا امن هستند و شاهد گروگانگیری های زیادی بوده است؛ همه ی این ها نشان می دهند که گروه طالبان و سایر گروه های تروریستی در تلاش این هستند که دامنه ی جنگ را گسترش دهند و تمام ولایت های کشور را تهدید امنیتی مواجه سازند. بازداشت مسئول عمومی گروه طالبان علاوه بر اینکه یک دست آورد برای نیروهای امنیتی بامیان است، همچنان یک هشدار جدی به مردم ولایت های مرکزی و ولایت های همجوار از امنیت نسبی و فعالیت های فرهنگی و مدنی در این ولایت رونق خوبی بگیرد. این فعالیت ها و شهرت باستانی بامیان باعث شد که بامیان بعنوان پایتخت فرهنگی کشورهای سارک انتخاب شود و کار مرکز فرهنگی این ولایت نیز چندین پیش توسط یونسکو آغاز شد. همچنان در سالهای اخیر توریست های ولایت های شمالی و غربی افغانستان به بامیان سفر کردند و صنعت توریسم بامیان در حال رونق گرفتن است.

می آید؟ با بازداشت شدن مسئول عمومی گروه طالبان این نگرانی بوجود می آید که آیا در روزهای عید فطر در ولایت بامیان راه اندازی کند و با بازداشت او، تمام نامه های خرابکارانه طالبان در این ولایت ختنی شده است. سخنگوی والی بامیان افزوده است که ملا بصیر در حمله ی چند هفته پیش طالبان به یک پوسته ی پولیس در شرق بامیان و چند مورد بمب گذاری کنار جاده ای و سایر فعالیت های نظامی طالبان در بامیان نقش کلیدی داشته است. بامیان یکی از امن ترین ولایت های کشور است. گروه طالبان و سایر گروه های تروریستی هنوز نتوانسته است بصورت علنی و فعال در این ولایت حضور داشته باشند، اما در سال های اخیر در برخی ولایت های همجوار بامیان این گروه فعالیت داشته اند. از جمله در مرز مشترک این ولایت و ولایت بگلان برخی فعالیت های این گروه ها گزارش شده است. دره غوربند ولایت پروان که مسیر رفت و آمد شهروندان بامیان است، نیز یکی از مناطق نا امن به شمار می رود و رویدادهای تروریستی در این منطقه، همواره گیربیران گیر مسافران بوده است. آیا جنگ به ولایت های مرکزی انتقال

دیروز مقامات محلی بامیان اعلان کردند که ملا بصیر مسئول عمومی گروه طالبان در ولایت بامیان را بازداشت کرده اند. دفتر مطبوعاتی ولایت بامیان در خبرنامه اش در مورد ملا بصیر نوشته است: «ملا بصیر، یکی از عناصر خطرناک و کلیدی طالبان، در یک سال اخیر بود که در حرکت های تخریبی علیه مردم و حکومت، در ساحت دره شکاری، تاله و برفک ولایت بگلان و ساحت دیگری از نوار مرزی های بامیان فعالیت داشت و جدیداً به عنوان مسوول عمومی طالبان گماشته شده بود.» در این خبرنامه افزوده شده است که این فرد می خواست که با انجام فعالیت های تخریبی و تروریستی ولایت بامیان را ناامن بسازد. ملا بصیر از منطقه دو آب میخ زرین توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است. دفتر مطبوعاتی ولایت بامیان گفته است که این فرد در مرکز بامیان تحت تحقیق و بازرسی قرار دارد.

همچنان سخنگوی ولایت بامیان گفته است که ملا بصیر قصد انجام فعالیت های خرابکارانه زیادی را داشت که قرار بود در روزهای عید فطر در ولایت بامیان راه اندازی کند و با بازداشت او، تمام نامه های خرابکارانه طالبان در این ولایت ختنی شده است. سخنگوی والی بامیان افزوده است که ملا بصیر در حمله ی چند هفته پیش طالبان به یک پوسته ی پولیس در شرق بامیان و چند مورد بمب گذاری کنار جاده ای و سایر فعالیت های نظامی طالبان در بامیان نقش کلیدی داشته است. بامیان یکی از امن ترین ولایت های کشور است. گروه طالبان و سایر گروه های تروریستی هنوز نتوانسته است بصورت علنی و فعال در این ولایت حضور داشته باشند، اما در سال های اخیر در برخی ولایت های همجوار بامیان این گروه فعالیت داشته اند. از جمله در مرز مشترک این ولایت و ولایت بگلان برخی فعالیت های این گروه ها گزارش شده است. دره غوربند ولایت پروان که مسیر رفت و آمد شهروندان بامیان است، نیز یکی از مناطق نا امن به شمار می رود و رویدادهای تروریستی در این منطقه، همواره گیربیران گیر مسافران بوده است. آیا جنگ به ولایت های مرکزی انتقال

سرمقاله

نقش مهم حضور نیروهای خارجی در عملیات های نظامی

محمد رضا هویدا

نیروهای خارجی پس از سال ۲۰۱۴ که خروج از افغانستان را آغاز کردند، در نقش آموزش دهنده و حمایت کننده نیروهای افغان کار کردند و خصوصاً با تشکی که در روابط میان دولت افغانستان به ریاست حامد کرزی رئیس جمهوری سابق با ایالات متحده به وجود آمده بود، حضور نیروهای خارجی به خصوص نیروهای امریکایی کم رنگ شد. در این دوره نیروهای امریکایی صرف با تقاضای نیروهای افغان برای پشتیبانی هوایی وارد عملیات های حمایتی از نیروهای افغان می شدند. هر چند در این دوره عملیات های هوایی نیروهای امریکایی سهم بسیار مهمی در حوادث افغانستان داشته اند، و هم این نیروها بوده اند که قتل ملا اختر منصور را در کارنامه خود دارند، اما به هر صورت حضور این نیروها در این مدت کم رنگ بوده است.

پس از یک دوره فترت در حضور عملی در میدان های جنگ توسط نیروهای امریکایی، در هفته های اخیر نیروهای امریکایی در عملیات های پیشرفته نقش گرفته اند و تاثیرات کار شان نیز بیشتر به چشم می آید. دامنه عملیات ها وسیع تر شده است. و گفته می شود که به زودی شماری از سربازان امریکایی، به هدف تحکیم امنیت در این ولایت هلمند مستقر خواهند شد. فرماندان امنیتی گفته است که نیروهای امریکایی، مصروف ایجاد قرارگاه هستند، تا در بخش بمبارد هوایی و سایر عملیات، فوراً با نیروهای افغان مشوره نمایند.

وزارت دفاع ملی نیز گفته است که از سرگیری حمله های هوایی امریکاییان بسر طالبان، این گروه را در میدان های نبرد ناتوان ساخته است و تحركات بزرگ طالبان را نیز محدود کرده است. این وزارت گفته است که در این حمله ها در هشت روز گذشته، تنها در کاندز بیش از ۵۰ جنگجوی طالب، مشمول مقت فرمانده این گروه، کشته شدند.

به باور کارشناسان نظامی، یکی از بزرگترین خطاهای نظامی که توسط حکومت رئیس جمهوری پیشین صورت گرفت، توقف عملیات های نظامی شبانه علیه طالبان و همین گونه توقف حملات نیروهای خارجی علیه طالبان بود. طالبان فرصت یافتند تا با آزادی کامل و بدون ترس از عملیات های هوایی به نقل و انتقالات گسترده دست بزنند و حتی تلاش کردند تا عملیات های منظم به منظور تصرف ولایات کشور را روی دست بگیرند. طالبان در این دوره به راحتی خود را به شمال کشور رسانیدند و در اوج حضور خود مدتی بر کندز نیز مسلط شدند.

نیروهای نظامی افغانستان در این مدت به خوبی با دشمن جنگیدند، این نیروها ثابت کردند که می توانند در سخت ترین شرایط، با روحیه بالا و خستگی ناپذیر علیه دشمن بجنگند. اما مشکلاتی که پیش از خروج نیروهای نظامی خارجی از افغانستان، از سوی آگاهان نسبت به آنها هشدار داده شده بود به قوت خود باقی است. از جمله این مشکلات نبود قوای هوایی منظم و مجهز، نبود آموزش های وسیع نظامی به نیروهای نظامی افغان، وجود نفوذی ها در ادارات و صفوف نظامیان کشور که باعث خلق حوادث دردناکی در این مدت شده است، ضعف استخبارات نظامی، و... بوده که در طول این مدت از نیروهای نظامی افغانستان قربانی های زیادی گرفته است.

اگر گسترش حضور نظامی امریکا در افغانستان و پشتیبانی هوایی و عملیات های استخباراتی وسیع و جدی علیه طالبان در استراتژی منظم و قوی طرح شده و میگری شود، تاثیر آن بر وضعیت جنگ در افغانستان بسیار سریع و مهم خواهد بود. حمایت جدی و وسیع نیروهای هوایی بین المللی از سربازان افغان به صورت فوری سبب خواهد شد تا نیروهای طالبان احساس امنیت شان را در نقل و انتقالات از دست بدهند و توانایی تجمع وسیع برای حملات گسترده علیه اهداف کلان را از دست بدهند. در چنین حالتی نیروهای افغان که تمرکز اصلی شان بر عملیات های زمینی است، فرصت کافی خواهند یافت تا با خیال راحت برای عملیات های بزرگ برنامه ریزی کرده و اقدام نمایند.

فلسفه تاریخ چیست؟

دانیل لیتل / ترجمه حمید کوزری / قسمت اول



دانش تاریخی متوجه گردند. تمام این مسائل در بدنه واحدی به نام «فلسفه تاریخ» جمع می شوند. فلسفه تاریخ امری چندوجهی است و از تحلیلات و استدلالات ایدئالیست ها، پوزیتیویست ها، اهل منطق، متکلمان و دیگران تشکیل شده است. از طرف دیگر فلسفه تاریخ بین اروپائیان و انگلیسی - آمریکایی ها و بین هرمنوتیک و پوزیتیویسم در حال کش و قوس است.

ارائه یک تصویر واضح از تمامی نظرات درباره «فلسفه تاریخ» همانقدر ناممکن است که تعریف رشته های علمی و شامل همه این رویکردها. تصور اینکه هنگام بیان عبارت «فلسفه تاریخ» به سنت فلسفی خاص اشاره می شود، تصور غلطی است؛ چون مکاتب مطرح در این حوزه به ندرت با هم به تفاهم می رسند. با این حال نوشته های فیلسوفان درباره تاریخ چون خوشه هایی است حول چند سؤال خاص که هر یک متضمن متافیزیک، هرمنوتیک، معرفت شناسی و تاریخ گرایی مربوط به خود است. سؤال ها چنین هستند:

۱. تاریخ از چه نوع اعمال فردی، ساختارهای اجتماعی، دوره ها، حوزه ها، تمدن ها، جریان های تأثیرگذار بزرگ و چه نوع اراده الهی تشکیل شده است؟
۲. آیا تاریخ در ورای حوادث و اعمال فردی تشکیل دهنده آن، همچون یک کل دارای معنا، ساختار و قیاس سیر مشخص است؟
۳. شناسایی، بازنامایی و تبیین تاریخ مستلزم چه چیزهایی است؟
۴. تا چه اندازه تاریخ بشر سازنده اکنون اوست؟

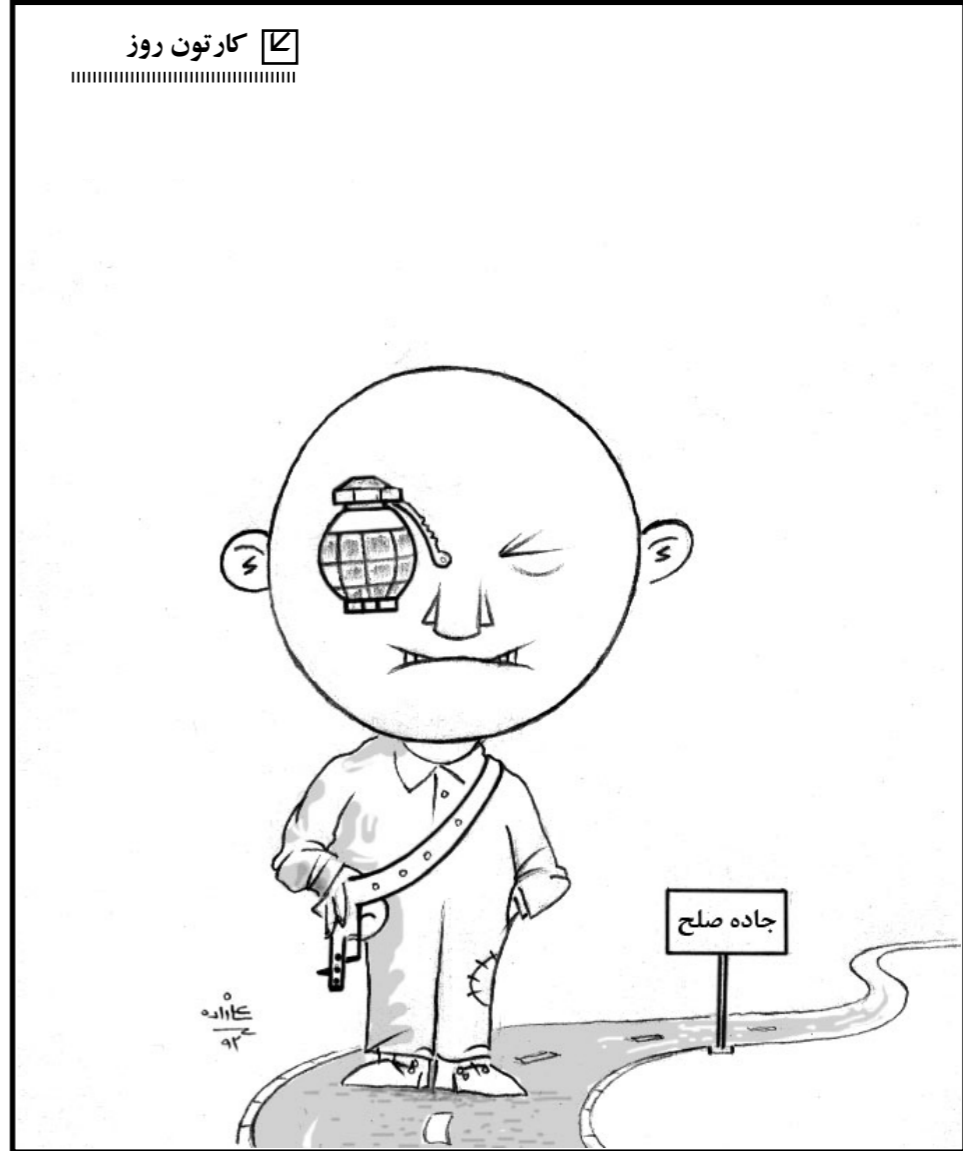
برای اینکه بتوانیم مسائل و مکاتب مطرح در فلسفه تاریخ را باز کنیم، آنها را این گونه دسته بندی کرده ایم:

۱- تاریخ و روایت آن
تاریخ چیست؟ تاریخ را به طور خیلی رسمی می توان گذشته انسان و روایت منسجم آن تعریف کرد. البته ما می توانیم از گاه شماری وقایع غیر انسانی مانند تاریخ منظومه شمسی یا تاریخ محیط زیست زمین در یک گستره میلیارد ساله صحبت کنیم؛ اما مسائل مهم فلسفه تاریخ فقط در روایت ما از گذشته انسان آشکار می شوند. این نکته در کتاب فلسفه تاریخ کالیگود مورد تأکید قرار گرفته است. تاریخ برای ما جذاب است؛ زیرا به گفته مارکس: «انسانها تاریخ خود را می آفرینند، اما نه بر پایه انتخاب خودشان.» از این گفته چنین برمی آید که تاریخ هم در کاربودن (انتخاب های افراد و گروه ها) را نشان می دهد و هم ساختار و شرایط جبری را.

مورد علاقه ماست.» این نکته عینیت قضاوت در مورد گذشته را طرد نمی کند، وقایع و کنشها در گذشته رخ داده اند، فارغ از اینکه ما به آنها توجه کنیم یا نه، اما ساماندهی آنها مثلاً در روایتی در مورد «بیداری دینی» یا «تشکیل یک دولت مستبد» متضمن یک ساختار تفسیری در مورد آنهاست که ذاتاً به علایق مشاهده گر وابسته است. چیزی به عنوان «تاریخ بی طرف» وجود ندارد. بنابراین بر پایه نگاه کاملاً روشنی می توان اذعان کرد که تاریخ از تفسیر تاریخی و علاقه تاریخی شکل گرفته است، حتی اگر آن رخدادهای اصلی خودشان دیگر در میان نباشند.

با این حساب باید پرسید: روایت تاریخی چیست؟ ما می خواهیم گذشته را بشناسیم، روایت کنیم، بفهمیم و شرح دهیم. این رویکرد بر نسبت معرفتی ما با گذشته تأکید می کند. مسأ در بازنامایی واقعیتی مانند خرابه ها، کتیبه ها، مدارک، تاریخهای شفاهی، اسناد تخصصی و نوشته های مورخان را برای اثبات نتایجی در مورد شرایط و مردمان گذشته به کار می گیریم. با این کار ما چند ایده را برجسته می کنیم: ایده دانستن اطلاعاتی درباره شرایط انسانی گذشته؛ ایده فراهم کردن روایتی که با کمک آن سلسله ای از کنشها و وقایع تاریخی منتهی به ما فهمیده شده و برای ما «بامعنا می شود» و دیگر ایده ایجاد یک نگاه علمی به تحقق بعضی امور تاریخی خاص. توجه کنید که این ایده ها مسائل فلسفی مهمی را در بر می گیرد که در فلسفه تاریخ طرح خواهند شد: مسائلی مانند تفسیر کنشهای انسانی با معنی، تبیین علمی جایگاه دانش تجربی درباره گذشته و جایگاه اقرار به «معنی» درباره وقایع تاریخی بزرگ، هر کدام از این صورت بندی ها مسائل جدید و مختلفی را برای اما باید گفت رابطه ما با گذشته صرفاً رابطه ای معرفتی نیست، بلکه گاه عاطفی و عملی نیز هست. ما گذشته را خلق می کنیم، تفسیر می کنیم، به آن جنبه تخیلی، افسانه ای یا قهرمانانه می بخشیم و در عین حال بعضی از داستان های گذشته را - که همان «تاریخهای» ما باشند - ملاحظه درستی عملکرد، ملاحظه رفتار سیاسی خود یا ملاحظه خلعت علمی گرایی قرار می دهیم، یا رفتار آینده را توجیه می کنیم. این جنبه از روایت تاریخی مسائل فلسفی زیادی نیز بر می انگیزد، مثلاً اینکه آیا این داستانها بنیان معرفتی دارند یا نه؟ آیا بعضی از تفسیرهای ارزشی برتر از دیگر تفسیرهاست؟ آیا می توانیم بین دو روایت تاریخ تمایز واضحی قائل شویم؟

از مسائل رشد جمعیت، شهرنشینی، نوآوری فناوری ها، تغییر اقتصادی، رشد دانش، فرهنگ و غیره. اما این تعریف بسیار گمراه کننده است؛ زیرا تاریخ را دارای نظم و ساختاری می داند که در عالم واقع دارای آنها نیست. باید گفت فقط تاریخ های خاص وجود دارند، یعنی تاریخ شرایط و اوضاع مختلف مورد نظر ما. عرصه تاریخ مملو از کنشهای انسانی و جریانات اجتماعی جهانی است؛ بنابراین بیرون کشیدن تاریخ امری خاص - مثلاً کشاورزی یا انقلاب فرانسه یا علم مدرن یا اسلام - از میان درهم تنیدگی کامل وقایع و کنشها بفرنج می نماید. منظور از این پیچیدگی مجموعه خاصی از موضوعات تاریخی مرتبط با هم است که در حرکت تاریخ ترسیم می شوند. این مسئله نکته دیگری را مطرح می کند و آن اینکه «تاریخ» تا حدی به «آنچه رخ داده است» وابسته است و تا حدی به «آنچه



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اسلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷

افغانستان
The Daily Afghanistan

Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Magazine